



Evaluation of the position of the BRICS group in India's foreign policy Focusing on the new international order

Mohammad Reza Obeidian¹

Mitra Rah Nejat²

Abstract

India is an emerging power and introduces itself to the world in terms of soft and hard power. This coincided with the change of power from unilateralism to multilateralism under the name of the new international order. On the other hand, the dimensions of this contemporaneity as well as the development-oriented foreign policy and the membership of this country in a new group called BRICS have created different analyzes in the minds of international analysts of the world regarding BRICS in the new international order. Now, considering the mentioned cases, we are faced with this main question, what are the effects and consequences of India's membership in the BRICS group in the era of the new international order from the perspective of this country's foreign policy? This research is applied from the point of view of the cognitive goal, and is a qualitative research method with a descriptive-analytical approach, using library tools, internet and articles, and using content analysis to reveal the effects of the behaviors and positions of the main players in the BRICS space, especially India. , has been used and an attempt has been made to study these behaviors, positions and interests, relying on the theory of neoliberal institutionalism, and explore its effects on India's foreign policy. Finally, based on the findings of the article, it has been concluded that India's membership in the BRICS group has had an impact on the country's foreign policy in various dimensions in the form of positive effects and negative consequences.

Key words: India, BRICS, new international order, neoliberal, multilateralism

¹ Master's student of International Relations, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran. **Abidian1999@gmail.com**

² Assistant Professor, Department of Public Policy, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran.

Rahnejat@atu.ac.ir



ارزیابی جایگاه گروه بریکس در سیاست خارجی هند

با تمرکز بر نظم نوین بین‌المللی

محمد رضا عبیدیان^۱ - میترا راه نجات^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۶

چکیده

هند یک قدرت نوظهور است و خود را در ابعاد قدرت نرم و سخت به جهانیان معرفی می‌کند این امر با تغییر قدرت از یک‌جانبه‌گرایی به چندجانبه‌گرایی تحت عنوان نظم نوین بین‌المللی هم‌زمان گردید. از طرفی ابعاد این هم‌زمانی و همچنین سیاست خارجی توسعه‌گرا و عضویت این کشور در گروهی نوین به نام بریکس تحلیل‌های مختلفی را در اذهان تحلیل‌گران بین‌المللی جهان نسبت به بریکس در نظم نوین بین‌المللی ایجاد نموده است. حال با توجه به موارد مذکور با این پرسش اصلی مواجه هستیم که در عصر نظم نوین بین‌المللی عضویت هند در گروه بریکس حاوی چه آثار و پیامدهایی از منظر سیاست خارجی این کشور است؟ این پژوهش از منظر هدف شناختی کاربردی است و از روش تحقیق کیفی و با رویکرد توصیفی - تحلیلی و با استفاده از ابزار کتابخانه، اینترنت و مقالات و بهره بردن از تحلیل محتوا جهت آشکار ساختن اثرات رفتارها و مواضع بازیگران اصلی فضای بریکس، بخصوص کشور هند، استفاده شده و تلاش شده است تا با مطالعه این رفتارها، مواضع و منافع با اتکا بر نظریه‌ی نهادگرایی نئولیبرال، اثرات آن بر سیاست خارجی هند مورد کنکاش قرار گیرد. در نهایت، بر اساس استنتاج یافته‌های مقاله، چنین نتیجه‌گیری شد است که عضویت کشور هند در گروه بریکس در ابعاد گوناگون به شکل آثار مثبت و تبعات منفی بر سیاست خارجی این کشور تاثیر گذار بوده است.

واژگان کلیدی: هند، بریکس، نظم نوین بین‌المللی، نئولیبرال، چندجانبه‌گرایی

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

Abidian1999@gmail.com

^۲ استادیار گروه سیاست‌گذاری عمومی دانشگاه علامه طباطبایی تهران، ایران

مقدمه

فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ و متعاقب آن به دست گرفتن قدرت اقتصادی توسط بلوک غرب به رهبری ایالات متحده آمریکا تلاش نمود که تا نظم جدید و دوران تک قطبی را در نظم جهانی روابط بین‌الملل به وجود بیاورد. پس از سال ۱۹۹۱، گروه بریکس به عنوان یک تشکل اقتصادی و سیاسی شکل گرفت. این گروه شامل برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی است. این کشورها در مقابل سیاست‌های آمریکا قرار گرفتند و تلاش کردند تا به عنوان قدرت‌های نظامی و اقتصادی مستقل عمل کنند. این گروه که توسط پنج کشور برزیل، چین، روسیه، آفریقای جنوبی و هند در چارچوب امنیت دسته جمعی و اقتضانات مختلف از جمله ضروریات اقتصادی شکل گرفت می‌تواند با همکاری و دارا بودن جمعیت، حجم اقتصادی، وسعت، تولید ناخالص داخلی کشورهای عضو سازمان با یکدیگر سهمی قابل توجهی را در نظم بین‌المللی و به چالش کشیدن نظام تک قطبی و ایجاد ساختاری نوین در راستای عدالت بیشتر در سطح جهانی ایفا نمایند.

در واقع گروه بریکس و اقدامات هماهنگ آن ابتدا و به طور مشخص در واکنش به بحران مالی جهانی و رویه‌های نولیبرال تحت سیطره ایالات متحده در نهادهای مالی جهان همچون صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی پدیدار شد و سپس به تلاش‌های مشترک اعضا برای پایه‌ریزی ترتیبات، همکاری‌ها و توافقات جدید در مسائل توسعه، تجارت، همکاری‌های فنی، علمی و آموزشی و حتی امنیتی منجر گردید. در همین ارتباط گروه، گروه بریکس، با ایجاد یک بانک توسعه‌ای و همکاری در زمینه ایجاد ذخایر ارزی پشتیبان و توافقات پولی، و فشار بر نهادهای مالی جهانی برای ارتقاء جایگاه اعضای خود در آن‌ها، اقدامات قابل توجهی را در جهت تامین منافع مشترک به انجام رسانده است؛ ضمن اینکه این گروه در بیانیه‌های رسمی خود کوشیده است در مقام سخنگوی کشورهای در حال توسعه، منافع آن‌ها را نمایندگی کند. بریکس را می‌توان مهم‌ترین نیروی هماهنگ موجود در برابر

موقعیت مسلط ایالات متحده و غرب در نظم سیاسی و اقتصادی جهان معرفی کرد؛ از این رو، ظهور بریکس چالشی جدی در برابر ترتیبات و نظم اقتصاد سیاسی بین‌المللی امروز تلقی شده است. پس در میان افزایش بی سابقه خطرات ژئوپلیتیک جهانی، جهان به طور فزاینده‌ای از این واقعیت آگاه می‌شود که معماری نظم جهانی قدیم، جای خود را به نظم جدیدی از روابط بین‌الملل و بلوک‌های منطقه‌ای می‌دهد. کشورهای جنوب جهانی در حال ایجاد نهادها، اتحادهای منطقه‌ای و سیستم‌های پرداخت میان خود هستند که در اقتصاد جهانی در حال تغییر، به نیرویی حیاتی تبدیل می‌شود. بزرگ‌ترین کشورهای در حال توسعه کشورهای بریکس هستند. در این نظم نوین، قدرت‌های نوظهور می‌توانند پایه و اساس نظم نوین جهانی را تشکیل دهند. این کشورها که تقریباً نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند و سهم بالایی در تولید ناخالص داخلی جهانی دارند، پرچم‌داران این نظم جدید هستند. در این میان هند به عنوان قدرتی در حال ظهور، منافع سیاسی و راهبردی مشخصی در الحاق به ائتلاف بریکس دارد. بریکس اهرم قدرتی در دست هند است تا برای پیشبرد منافعش در شکل دادن به نهادهای اقتصادی بین‌المللی، تا آنجا که امکان دارد از آن استفاده کند. همچنین هند می‌خواهد از این گروه در شکل دادن به نهادهای جایگزین جدید و به طور کلی، حفظ نقشی برای خود در طیف متنوعی از مسائل سیاسی و اقتصادی بین‌المللی بهره بگیرد. هند در داخل بریکس نوعی پل واسط میان قدرت‌های قاره‌ای اوراسیا شامل روسیه و چین از یک سو، و اعضای سنتی ائتلاف کشورهای در حال توسعه شامل برزیل و آفریقای جنوبی از سوی دیگر است. هند از بسیاری از ابتکارها در تقویت همکاری اقتصادی میان اعضای بریکس حمایت نموده؛ اما نتایج حاصل، در سطحی متوسط بوده است. در هر حال، هند همچنان گروه بریکس را واجد ارزش سیاسی قابل توجه و امکانات بالقوه دراز مدت اقتصادی می‌بیند. لذا پژوهش حاضر درصدد است با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی ضمن ارزیابی اهمیت جایگاه نهادهای بین‌المللی به‌ویژه سازمان

بریکس در نظم نوین جهانی، به این سؤال پاسخ دهند که در عصر نظم نوین بین‌المللی عضویت هند در سازمان بریکس حاوی چه آثار و پیامدهای از منظر سیاست خارجی این کشور می‌باشد؟ مطابق با این سؤال فرضیه‌ای که برای آن مدنظر قرار داده ایم این است که عضویت هند در سازمان بریکس باعث گردیده است که در ابعاد مختلف و به شکل آثاری مثبت و تبعاتی منفی بر سیاست خارجی هند اثرگذار باشد. همچنین هند در چارچوب لیبرالیسم نهادگرا در صدد است در دوران گذار از رهگذر تقویت همکاری‌های اقتصادی و سیاسی در قالب نهادهای گوناگون از جمله بریکس، زمینه‌ساز ایجاد سیستم چند جانبه‌گرایی در سطح نظم نوین بین‌المللی گردد. در این مقاله، نگارندگان از روش تحقیق کیفی استفاده نموده‌اند. این مقاله از منظر هدف شناختی در زمره پژوهش‌های کاربردی لحاظ می‌شود از این رو رویکرد پژوهش حاضر در راستای پاسخ‌گویی به پرسش اصلی این مقاله روش توصیفی-تحلیلی می‌باشد. توصیفی است یعنی به شناسایی و توصیف دقیق متغیرهای داخلی و خارجی اثرگذار بر پرسش مقاله پرداخته است. تحلیلی است چراکه با تحلیل اثرات این متغیرها و ویژگی‌های این امر، نگارندگان توانسته‌اند درک درستی از موضوع مورد بحث ارائه نمایند. روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها نیز به شیوه کتابخانه‌ای-اسنادی است و ابزار گردآوری نیز شامل اسناد معتبر، رساله‌ها، کتب تخصصی، مقالات علمی-پژوهشی، سایت‌های اینترنتی آکادمیک، نقشه‌های منطقه؛ پژوهش‌های مرتبط سایر پژوهشگران و... است و این گونه مطرح است که با استفاده از روش و ابزارهای فوق، اطلاعات موردنیاز و مرتبط جمع‌آوری گردد و مطالب به عرصه مطالعه، بررسی و تجزیه و تحلیل گذاشته شود و در نهایت راستای هدف پژوهش جمع‌بندی و نتیجه‌گیری شود.

۱. مبانی نظری: چارچوب نظری؛ نهادگرایی نئولیبرال

این شاخه لیبرالیسم از اندیشه‌های لیبرال اولیه در مورد تأثیرات سودمند نهادهای بین‌المللی نشأت گرفته است و بر آن است که نهادهای فراملی می‌توانند باعث همکاری بهتر و بیشتر شوند. در واقع از دهه ۸۰ به بعد ادبیات روابط بین‌الملل شاهد ظهور نظریه جدیدی به نام نهادگرایی نئولیبرال یا نئولیبرالیسم بود. این نظریه، معتقد است که روابط بین‌الملل ماهیتاً خشونت و مناقشه‌آمیز نیست و جنگ نیز یک استثنا است. بنابراین حتی در شرایط بی‌نظمی و فقدان یک حکومت مرکزی در سطح جهان، می‌توان با کمک نهادها و سازمان‌های بین‌المللی به همکاری‌های بین‌المللی دست یافت. نظریه رژیم‌ها منجر به ارائه نظریه نهادگرایی نئولیبرال شد. سلف بلافصل نهادگرایی نئولیبرال، بنابراین، نظریه رژیم‌های بین‌المللی است که خود ریشه در نظریه وابستگی متقابل دارد. در واقع نهادگرایی نئولیبرال نظریه‌ای در مورد نهادهای بین‌المللی است که در صدد تلفیق سه عنصر و مؤلفه از نئورئالیسم و نوکارکردگرایی است. هسته مرکزی نهادگرایی نئولیبرال را اصول یا پیش‌فرض‌هایی تشکیل می‌دهد. که عبارتند از:

۱. رویکرد نظام‌مند

نئولیبرالیسم، همانند، دیدگاهی از نوع تصویر سوم است که منبع و مرجع رفتار کشورها و داده‌های بین‌المللی را نظام بین‌الملل می‌داند. این نظریه فرض می‌کند که همسایه‌ها و قواعد رفتاری در سیاست بین‌الملل را می‌توان به بهترین نحو از طریق فهم و شناخت سرشت و ساختار نظام بین‌الملل توضیح داد. نهادگرایی سعی می‌کند قواعد رفتاری را با شناخت و کشف ماهیت بی‌نظم نظام بین‌الملل، درک کرده و توضیح دهد. بنابراین نئولیبرالیسم رهیافتی نظام‌مند به همکاری‌ها و نهادهای بین‌المللی است که تحلیل در سطح نظام و نه در سطح واحد را مورد تأکید قرار می‌دهد. این نظریه، منابع و شرایط همکاری‌های بین‌المللی و اقدامات همکاری جویانه را به عنوان یک کارکرد نظام بین‌الملل در نظر می‌گیرد. نهادگرایی نئولیبرال

در معنا و تعریف نظام بین‌الملل با نئورئالیسم اختلاف نظر دارد. این نظریه اظهار می‌دارد که نظام بین‌الملل دو بعد و جنبه دارد: ساختار و فرآیند. ساختار به معنای توزیع قدرت بین کشورها است. فرآیند به صورت الگوهای تعامل: راه و روشی که واحدها با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند، تعریف می‌شود.

۲. کشورها به مثابه بازیگران عاقل

نئولیبرالیسم تحلیل خود از همکاری‌های بین‌المللی را بر اساس پیش فرض عقل‌گرایی پی‌ریزی می‌کند. کشورها موجودیت‌های واحد و عاقلی فرض می‌شوند که به دنبال ارتقا و افزایش منافع ملیشان هستند. نئولیبرالیسم، پس ملیتی بر پیش فرض عاقل بودن کشور است. مدل عقلایی، فرض می‌کند که کشورها عاقل‌اند، یعنی از میان همه اقدامات جایگزین موجود، گزینه خود را به طور مستقل بر اساس کارکرد سود و فایده انتخاب می‌کنند (Stien, 1993). نئولیبرال‌ها، کشورها را در نظام بین‌الملل به موجودیت خودپرستی توصیف می‌کنند که در تلاش هستند تا ارزش و سود را به حداکثر برسانند. لذا کشورها به گونه‌ای بین گزینه‌های موجود، انتخاب می‌کنند تا سود و فایده خود را به حداکثر برسانند. بدون این که فواید خود را با سود دیگران مقایسه کنند یا حتی پی‌آمدهای کارکردهای سود خودشان را برای دیگران مورد ملاحظه قرار دهند (Young, 1989). پس نئولیبرال‌ها معتقدند که کشورها، واحدهای بسیط و عاقلی هستند که به دنبال تامین و تعقیب منافع فردیشان که به صورت سود و فایده مطلق تعریف می‌شود، می‌باشند.

۳. نقش مستقل نهادهای بین‌المللی

مهم‌ترین ویژگی و مشخصه نظریه نهادگرایی نئولیبرال، قائل بودن هویت مستقل برای نهادهای بین‌المللی در سیاست بین‌الملل است. طبق این نظریه، نهادهای بین‌المللی، مستقل از منابع قدرت و ترجیحات کشورها، نتایج بین‌المللی و رفتار کشورها را تعیین می‌کنند. پس، نهادهای بین‌المللی از درجه‌ای از استقلال و خودمختاری برخوردارند. این نظریه استدلال می‌کند، که وقتی نهادهای بین‌المللی

تاسیس شدند، حیات مستقل پیدا می کنند و به ندرت بازتاب قدرت و منافع اولیه ای که آن‌ها را در بدو امر ایجاد کردند، می‌باشند. نظر اصلی نهادگرایی نئولیبرال این است که تنوع و اختلاف در میزان نهادینگی سیاست بین‌الملل، شدیداً بر رفتار کشورها و نتایج همکاری جویانه در سطح بین‌المللی تاثیر می‌گذارد. به‌ویژه الگوهای رفتار همکاری جویانه میان کشورها در چارچوب نهادهایی که بر تعریف منافع ملی و اقدامات کشورها تاثیر می‌گذارند، قابل درک و فهم است. در این دیدگاه، نهادها عبارتند از مجموعه‌ای از قواعد رسمی و غیر رسمی به‌هم پیوسته و مرتبط که رفتارهای خاصی را توصیه نموده، فعالیت و اقدام را مقید و محدود کرده و به انتظارات کشورها شکل می‌بخشند. بنابراین، نهادهای بین‌المللی از طریق اطلاع‌رسانی به کشورهای عضو با امکان چانه‌زنی و مذاکرات بین آن‌ها و قادر ساختن اعضا به نظارت بر انجام تعهدات شرکا به طور قابل توجهی بر رفتار و اقدامات کشورها تاثیر می‌گذارند. نئولیبرال‌ها برای این ادعا که نهادهای بین‌المللی می‌توانند تاثیر مهمی روی رفتار همکاری جویانه کشورها داشته باشند، دلایل چندی را اقامه کرده‌اند. بنابراین این نظریه با توجه به تاکیدی که بر نقش همکاری و تعامل در اقتصاد جهانی از یکسو، و از سوی دیگر، تاکیدی که بر نقش متوازن‌کننده دولت و سایر کنشگران در اقتصاد جهانی دارد، پس بررسی جایگاه بریکس در سیاست خارجی هند به عنوان یک‌نهاد همکاری نیز در این نظریه قابل تبیین به نظر می‌رسد. با توجه به تحول نظم جهانی و اهمیت روز افزون تبادل و تعامل در قالب نهادها و رژیم‌ها در عرصه آنارشی، هند برای دستیابی به سیستم چند جانبه، ملزم به استفاده از نهاد همکاری بریکس در جهت کسب سهم بیشتری از قدرت جهانی، تحول در ساختار و ایفای نقش موثر می‌باشد. زیرا که ائتلاف مذکور می‌تواند ضمن اعتمادسازی میان اعضا الگویی مناسب در جهت تبادل در زمینه‌های مختلف را فراهم نمایند.

گروه بریکس

اوایل کارشناس موسسه گلدمن ساکس در ۲۰۰۱ م اصطلاح بریک را برای شناسایی بزرگ‌ترین بازارهای در حال ظهور جهان، ابداع کرد. واژه بریکس مخفف حرف اول نام چهار کشور تشکیل‌دهنده آن یعنی برزیل، روسیه، هند و چین است. وزرای خارجه بریک در سومین اجلاس در سانیا چین، در ۲۰۱۱ میلادی برای اینکه دسترسی اقتصادی - سیاسی خود را به آفریقا گسترش دهند از ورود آفریقای جنوبی به گروه استقبال کردند و پس از پیوستن آفریقای جنوبی، به بریکس تغییر نام یافت. در حقیقت باز خیزی چین، هند و برزیل و بازگشت روسیه به صحنه بین‌المللی، سیاست جهانی را متغیر ساخته است و در سیاست‌گذاری بین‌المللی همه بازیگران نظم کنونی، منعکس شده است و امروزه یکی از موضوع‌های اصلی مناظره‌های نظری را در سطوح منطقه‌ای و جهانی تشکیل می‌دهد (سلیمان پور، مولایی، ۱۳۹۱: ۹). به‌علاوه نقش و سهم بریکس از نظر جمعیت (۴۰٪)، تولید ناخالص داخلی (۲۷٪ اسمی)، پوشش زمین (۳۰٪)، تجارت جهانی (۱۸٪)، است. هم‌ین برزیل، روسیه، هند و چین حدود ۴۰ درصد گندم (بیش از ۲۶۰ میلیون تن)، ۵۰ درصد گوشت خوک (بیش از ۵۰ میلیون تن)، بیش از ۳۰ درصد گوشت مرغ (بیش از ۳۰ میلیون تن)، ۳۰ درصد گوشت گاو (حدوداً) را تولید می‌کنند (Podarilove, 2022).

موقعیت جغرافیایی کشورهای عضو بریکس



در اولین جلسه گروه بریکس در ۱۶ ژوئن ۲۰۰۹ در یکاترینبورگ، مرکز استان سوردلوفسک با حضور روسیه و نمایندگان کشورهای برزیل، روسیه، هند و چین برگزار شد. در این جلسه تمرکز کشورهای عضو بریکس بر موضوعاتی نظیر روش‌های بهبود وضعیت اقتصادی و اصلاح نظام مالی جهان بود. همچنین این کشورها در خصوص برقراری روابط پولی و تجاری نزدیک با یکدیگر و ایفای نقش مؤثر و بیشتر در امور اقتصادی جهان به بحث و تبادل نظر پرداختند. به دنبال نشست یکاترینبورگ، رهبران کشورهای بریکس هشدار دادند که باید در نظام مالی جهان اصلاحاتی صورت بگیرد تا بتواند به یک نظام کارا، مطمئن و باثبات تبدیل شود. (سلیمان فر، ۱۳۹۶: ۵-۴). دستور کار همکاری بریکس از ساختن یک اقتصاد جهانی باز حمایت می‌کند، چندجانبه‌گرایی واقعی را اعمال می‌کند و به افزایش توانایی تصمیم‌گیری و بیان کشورهای در حال توسعه در حکمرانی جهانی اختصاص دارد. این واقعیت که بسیاری از کشورهای در حال توسعه برای پیوستن به این گروه درخواست داده‌اند، گواهی بر به رسمیت شناختن مکانیسم همکاری بریکس است. به علاوه با توجه به اینکه بریکس در زمینه‌های مختلف از جمله اقتصاد، تجارت، امور مالی بین‌المللی، علوم و فناوری کشاورزی، امنیت سیاسی، بهداشت عمومی، توسعه پایدار و آموزش همکاری می‌کند این امر به توسعه همکاری‌ها در زمینه‌های بسیاری برای ایران نیز کمک خواهد کرد. بریکس در زمینه‌های مختلف از جمله اقتصاد، تجارت، امور مالی بین‌المللی، علوم و فناوری کشاورزی، امنیت سیاسی، بهداشت عمومی، توسعه پایدار و آموزش همکاری می‌کند بنابراین این امر به توسعه همکاری‌ها در زمینه‌های بسیاری برای ایران نیز کمک خواهد کرد. برحسب قدرت خرید، جایگاه کشورهای بریکس در میان کشورهای جهان بدین شرح است. در سال ۲۰۲۰، چین با ۱،۱۴ تریلیون دلار به لحاظ تولید ناخالص اسمی در رده دوم و با ۳،۲۷ تریلیون دلار از برحسب قدرت خرید در رده اول قرار داشته است. هند با حدود ۳ تریلیون دلار به لحاظ تولید ناخالص اسمی و ۵،۱۰ تریلیون دلار از نظر

شاخص قدرت خرید در رده پنجم جهان است. برزیل با ۸۵٫۱ تریلیون دلار از نظر تولید ناخالص اسمی ۳۷٫۳ تریلیون دلار از نظر شاخص قدرت خرید در رده نهم جهان بوده‌اند. روسیه هم با ۶۴٫۱ تریلیون دلار به لحاظ اسمی و ۲۱٫۴ تریلیون دلار از نظر شاخص قدرت خرید در رده ۱۱ جهان بوده است (بانک جهانی) به لحاظ سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی که یکی از دیگر از شاخص‌های مهم اقتصادی برای سنجش قدرت نسبی کشورها محسوب می‌شود. در سال ۲۰۱۸ چین با ۱۳۹ میلیارد دلار جذب سرمایه پس از آمریکا و اتحادیه اروپا در رده سوم قرار داشته است. برزیل با جذب ۶۱ میلیارد دلار در رده چهارم و هند با جذب ۴۱ میلیارد دلار در رده هفتم جهانی قرار داشته‌اند. روسیه در این رده‌بندی با ۱۳ میلیارد دلار جذب سرمایه در رده بیستم قرار داشته است. اگر کشورهای اتحادیه اروپا را جداگانه در نظر بگیریم چین پس از آمریکا در رده دوم، برزیل در رده ششم، هند در رده نهم و روسیه در رده پانزدهم بوده‌اند.

مقایسه حجم ده اقتصاد بزرگ جهان در سال ۲۰۵۰

کشور و رتبه در سال ۲۰۵۰	درصد ۱۰ جی دی پی برتر در ۲۰۵۰
چین	۳۲٫۱ درصد
آمریکا	۲۵٫۴ درصد
هند	۲۰ درصد
ژاپن	۴٫۸ درصد
برزیل	۴٫۴ درصد
روسیه	۴٫۲ درصد
انگلستان	۲٫۷ درصد
آلمان	۲٫۶ درصد
فرانسه	۲٫۳ درصد
ایتالیا	۱٫۵ درصد

. (مزینانی و محسنی مشتقین، ۱۳۹۹:۴۴).

بریکس تلاش کرده نقشی مهم در صحنه سیاسی جهان ایفا کند و در این راستا، این کشورها مواضع سیاست خارجی شان را درباره موضوعات کلیدی در نهادهای مختلف بین‌الملل هماهنگ کرده اند. این نهادها امروز دستورالعمل‌هایی را در ارتباط با جنبه‌های مختلف حکمرانی جهان و منطقه‌ای ارائه می‌کنند. بسیاری از این مواضع از جمله درباره تغییرات آب‌هوا، کاهش فقر، و اشاعه هسته‌ای را می‌توان به عنوان صدایی فعال در گذار به سوی چند جانبه‌گرایی در حکمرانی جهانی، مشروع تلقی کرد. به‌ویژه ظهور بریکس به عنوان بازیگری جدید در نظام بین‌الملل، روند تکامل یک دستور کار جدید در عرصه حکمرانی جهانی در حوزه‌هایی همچون گروه بیست و صندوق بین‌المللی پول، و غیره را شتاب بخشیده است. با توجه به این ملاحظات، بریکس به عنوان بازیگر سیاست خارجی در همه حوزه‌ها وارد شده است. بریکس نه تنها در اقتصاد، اصلاحات سازمانی، سیاست و امنیت، بلکه در حوزه‌های زیست محیطی، اجتماعی و بهداشت نیز خود را به عنوان بازیگر کلیدی در عرصه بین‌المللی نشان می‌دهد. دارا بودن این ویژگی‌ها در بین کشورهای بریکس ممکن است قدرت چانه‌زنی آن‌ها را در نظام بین‌الملل افزایش دهد و موجب تغییر در ساختار توزیع قدرت شود. به این ترتیب، محتمل است که بریکس با دارا بودن رهبری جهان در حال توسعه در پی گسترش دستور کار جدید، بازسازی نظم بین‌الملل و حرکت به سمت نظم چند قطبی در آینده باشد (یزدانی و مرادی فر، ۱۳۹۶). در واقع کشورهای بریکس ادعا می‌کنند که از الگوی نو لیبرال اجماع واشینگتن عدول کرده اند، دستاوردهای اقتصادی و رفاهشان، به همگرایی با اقتصاد جهانی متکی است و آن‌ها قصد ندارند که به عنوان چالشی بنیادین در برابر نظم نو لیبرال جهان دست کم از نظر اقتصادی تلقی شوند.

تحلیل مواضع بازیگران بریکس نسبت به نظم نوین بین‌المللی

۱. روسیه

روسیه به دلیل دارا بودن عناصری همچون اهمیت سیاسی، قدرت فکری و قابلیت اعمال نفوذ در موضوعات بین‌المللی این کشور را در سطح یک قدرت بزرگ در جهان نگاه داشته است. برای بررسی و ارزیابی اهداف روسیه از تلاش برای تشکیل بریکس و ادامه عضویت در این مجموعه باید موقعیت و مواضع این کشور را در قبال نظم مستقر در نظام بین‌الملل را مورد توجه قرار داد این موضوع در مواضع سیاست خارجی روسیه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تا به امروز خود را نشان می‌دهد. دیدگاه‌های گروه‌های مختلف در روسیه در قبال نظام بین‌الملل را در سه دسته می‌توان خلاصه کرد: لیبرال‌های حامی غرب، متوازن‌کننده قدرت‌های بزرگ، ملی‌گراها. دیدگاه اول به وضوح روسیه را بخشی از غرب می‌پندارد و دیدگاه جهانی آن حامی جهانی‌شدن و قرار گرفتن دولت‌های دموکراتیک در برابر دولت‌های خودکامه است. منشأ فکری دیدگاه دوم، جهان چند قطبی و دارای رویکرد تمدنی است. تصویر مطلوب آن از روسیه قدرتی جهانی و قطبی‌بانفوذ در جهان چند قطبی است که معتقد است آمریکا تلاش دارد، جهانی تک قطبی را در مقابل یک جهان چند قطبی واقعی علم کند. دیدگاه سوم یعنی ملی‌گرایی از محافظه‌کاری قرن نوزدهم، اوراسیایی قرن بیستم، و ژئوپلیتیک به سبک قدیم نشأت می‌گیرد و اعتقاد دارد در سطح جهانی طرز تفکر هابزی جنگ همه علیه همه، قدرت‌گرایی دریایی آنگلوآمریکن در مقابل قلب جهان (هارتلند) تحت رهبری روسیه وجود دارد.

۲. چین

پس از فروپاشی سیستم دو قطبی دوران جنگ سرد و حاکم شدن نظام در حال گذار بازیگران مختلف از جمله چین تلاش نموده است ضمن برقرار نمودن فضای چند جانبه متعادل، سهم خود را از قدرت جهانی افزایش دهد. چین در این راستا از

بریکس به عنوان نهاد همکاری میان قدرت‌های در حال ظهور از پنج قدرت در حال توسعه از قاره‌های مختلف که تمایل دارند سهم خود را از قدرت جهانی افزایش دهند در جهت اهداف خود استفاده نموده است. اعضای این نهاد با گسترش همکاری و تعامل، اهداف و مواضع خود را تعریف نموده و تلاش کردند در یک مسیر مشترک، یعنی تحول نظام بین‌الملل به سمت یک نظام دموکراتیک‌تر و عادلانه‌تر که در نتیجه آن منجر به افزایش حضور و توان قدرت‌های در حال ظهور شود، گام بردارند. چین به عنوان یکی از اعضای این ائتلاف نسبت به سایرین از جایگاه مطلوب‌تری برخوردار است، توان و ظرفیت لازم برای حضور در عرصه بین‌المللی را بیش از پیش کسب نموده است و تمایل دارد ضمن گسترش نقش خود در روند تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی، زمینه‌ساز ایجاد سیستم چند جانبه منصفانه، دموکراتیک و در یک کلام متعادل گردد. در این راستا با توجه به تحولات نظام بین‌الملل، چین بر این امر واقف است که رسیدن به جهان چند قطبی مستلزم یک خیزش نرم و مسالمت‌آمیز می‌باشد و نه یک حرکت انقلابی. لذا چین با استفاده از نهادگرایی که منجر به افزایش اعتماد متقابل، کاهش نیات منفی افزایش تعامل و سرریز همکاری خواهد شد و تخطی از آن هزینه‌بردار است درصدد است با تشکیل و تقویت ائتلاف بین قاره‌ای بریکس به عنوان بستر همکاری و تعامل، زمینه‌ساز سیستم چند جانبه متعادل را فراهم نماید. (دهشیری، بهرامی، ۱۳۹۴: ۵۹).

۳. برزیل

یکی از ویژگی‌های محوری بریکس این است که به‌جز آفریقای جنوبی، اعضای آن نماد گونه‌های جدیدی از سرمایه‌داری هستند. در این گروه متشکل از اقتصادهای در حال ظهور، برزیل نماینده آمریکای جنوبی است که توسعه اقتصادی مهمی را تجربه کرده است و به رهبری این منطقه گرایش دارد. برزیل هم‌زمان از راه پیوستن به بریکس، در نقش قدرتی برآمده از جهان دوم به عرصه اقتصاد سیاسی بین‌الملل و نظم جهانی جدید وارد شد. برزیل در مقام یک قدرت منطقه‌ای

غیرهسته‌ای، از قدرت نرم مرتبط با رهبری منطقه‌ای‌اش به عنوان ابزاری برای ایجاد موازنه قدرت در برابر روسیه، چین و هند بهره گرفت. این سه کشور نیز با مشکلاتی در زمینه مطرح کردن خودشان در جایگاه رهبری منطقه‌ای روبه‌رو بودند. در عین حال، این شرایط که نمایان‌گر وضعیت حضور برزیل در بریکس از زمان تولد این گروه است، امروز دیگر وجود ندارد: برزیل امروز بخشی ضعیف است و موقعیتش در بریکس در حال تضعیف این گروه به عنوان قدرتی در حال ظهور است. از زمان پایان جنگ سرد، نظام جهانی تغییرات شدیدی را، هم در سیاست و هم در اقتصاد جهانی تجربه کرده است. یکی از مهم‌ترین این تغییرات، گذار از محور شمال-جنوب به محور جدید شرق-جنوب بود که سبب ظهور یک منطقه پویای غیر معمول گردید

۴. آفریقا

کشورهای بریکس از سال ۲۰۰۵ بر مبنای چرخشی با یکدیگر دیدار کرده‌اند و در سال ۲۰۱۰، از آفریقای جنوبی خواسته شد به این بلوک بپیوندد. علت این دعوت احتمالاً ناشی از فرصتی بوده که آن‌ها می‌توانسته‌اند به واسطه حضور نماینده‌ای از آفریقا به آن دست یابند. هم‌چنین می‌توان گفت قرار گرفتن آفریقا در بستر روایت کلان‌تر جنوب-جنوب در حال ظهور و گرایش‌ها به این گستره مکانی-زمانی سهم داشته است. گفته شده است جیم اونیل، بر مبنای اتکایی که به مفهوم بازارهای در حال ظهور داشت، از الحاق آفریقای جنوبی به این بلوک متعجب شده است، با این حال، به نظر می‌رسد شماری از موارد ضمنی ژئوپلیتیکی مهم‌تر مرتبط با الحاق آفریقای جنوبی را عمداً در نظر نگرفته است. اجلاس‌های چرخشی سران بریکس به تدریج سبب اهمیت یافتن بیشتر این بلوک شدند و آن‌ها در این زمان تلاش کردند درباره هر چیزی از تجارت تا محیط‌زیست اعلام موضع کنند. هم‌چنین به نظر می‌رسد در شرایطی که عضوی از فقیرترین قاره جهان را پذیرفته‌اند، به شیوه‌ای متقاعدکننده‌تر از جانب جهان جنوب محروم ماندند، سخن می‌گویند.

در اطراف جلسه اصلی سران این گروه، محافل مختلفی فرضاً همانند شورای تجاری و مجمع دانشگاهی بریکس شکل گرفته اند و مسائل روشنفکرانه مرتبط با کشورداری به حوزه کر احساس برانگیز این مجموعه پیوند زده شده اند؛ بدین ترتیب، فضای عمل بیشتری برای نیروی کار استخراجی و شبکه سازی بریکس فراهم آمده است (لی شینگ، ۱۳۹۹).

۵. هند

هند کشوری مهم در آسیا است که حوزه منافع استراتژیک خود را از توده خشکی جنوب آسیا به اقیانوس هند، از خلیج فارس تا تنگه هرمز و پهنه افقی منافع استراتژیک این کشور به ماورای تنگه مالاکا در نظر گرفته است امروزه بسیاری از تحلیل گران هم، هند را قدرتی در حال ظهور در مسائل جهانی به حساب می آورند. در واقع دلایل ظهور هند به دو رخداد و روند عمدتاً متفاوت نسبت داده شده است. بر اساس یک نگاه، ظهور هند، اساساً به دلیل عزم راسخ این کشور برای تبدیل شدن آشکار به قدرتی هسته ای بود و در همین راستا، دهلی نو، چند آزمایش هسته ای را در مه ۱۹۹۸ انجام داد. که این امر نشان گر جاه طلبی هند در پذیرش بین المللی این کشور به عنوان یک قدرت بزرگ مسلح به سلاح هسته ای، و نیز دربرگیرنده این پیام بوده است که هند به واقع به توانمندی نظامی ای دست یافته است که آن را قادر می سازد نقشی جدید و مهم تر در سیاست جهانی بازی کند. این چشم اندازی است که قدرت نظامی هسته ای نیرومند نشان دهند. در نتیجه منابع تازه پیداشده در مورد پیش از این، توسط پژوهشگرانی برجسته در حوزه سیاست خارجی هند مطرح شده بود. در خصوص توان نظامی شایان ذکر است که نیروهای مسلح هند یکی از بزرگ ترین نیروهای نظامی در جهان است در سال ۲۰۲۰، نسبت هزینه های نظامی به تولید ناخالص داخلی (GDP) در هند ۰,۴ واحد درصد از سال ۲۰۱۹ افزایش یافته است. در مجموع، این نسبت در سال ۲۰۲۰ به ۲,۸۸ درصد رسیده است (statista,2022)

در دیگر نگاه‌ها و بحث‌های جدی درباره هند، این کشور، قدرتی در حال ظهور در نظر گرفته می‌شود و موفقیت خیره‌کننده اقتصادی آن به عنوان عامل مطرح‌شدن این کشور، قدرتی بزرگ قلمداد می‌گردد. تا جایی که نوشته‌های دانشگاهی اخیر نیز به این گرایش داشته‌اند که هند را بازاری در حال ظهور و نه یک موقعیت هند در نقش یک قدرت بزرگ یا در حال ظهور در صورتی بهتر درک خواهد شد که آن‌ها را به عنوان آمیزه‌ای از پیشرفت اقتصادی دهلی‌نو در درجه اول، و توانمندی‌های نظامی در حال رشد آن در نظر بگیریم؛ دومین منبع، نقش درجه دوم اما همچنان مهم را ایفا می‌کند که شامل پیشرفت‌های مهم هند در فناوری هسته‌ای، موشکی و نیروی دریایی و غیره است. بنابراین پیشرفت هند به واقع یک پدیده درهم‌آمیخته سیاسی و اقتصادی است که باید در بستر مسائل اقتصادی سیاسی شناخته شود. قدرت بازدارندگی سلاح‌های هسته‌ای همراه با افزایش قدرت اقتصادی به‌طور کلی قدرت چانه‌زنی را بالا می‌برد. بنابراین هدف از افزایش جامع قدرت ملی از نظر دولت‌مردان هندی حفظ حاکمیت تصمیم‌گیری در عرصه‌های مختلف بین‌المللی، اقتصادی و سیاسی و در نتیجه محافظت از توانایی هندوستان برای توسعه در سال‌های آتی است.

جهت‌گیری استراتژیک هند در عرصه نظام بین‌الملل فعلی، تبدیل‌شدن به یک بازیگر مهم در قرن بیست و یکم است. تالش هند در جهت ورود در گروه‌بندی‌های مهم منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای همانند آپک و مجمع منطقه‌ای آسه آن و تلاش برای به دست آوردن عضویت دائم در شورای امنیت سازمان ملل متحد بدون داشتن حق وتو در همین راستا قابل ارزیابی است. از زاویه رویکرد راهبردی سیاست خارجی هند، به شکل دقیق‌تر باید گفت منفعت عمده هند در آسیای مرکزی انرژی، کاهش نفوذ پاکستان و افزایش نقش و تغییر جایگاه در این منطقه است. نگاه هند به عضویت در سازمان همکاری شانگهای متأثر از نگاه مثبت موجود میان جمهوری‌های آسیای مرکزی به هند برای فعالیت در منطقه است. هند بیش از هر

چیز با عضویت در سازمان همکاری شانگهای به دنبال تأمین انرژی از جمهوری آسیای مرکزی و محدود شدن نقاط ناامن منطقه به پاکستان و افغانستان است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۸۲).

تبارشناسی سیاست خارجی هند نسبت به بریکس

در سال ۲۰۱۰، چهار اقتصاد از پنج اقتصاد برتر جهان بخشی از غرب بودند. به گفته گلدمن ساکس، در سال ۲۰۵۰، ایالات متحده تنها قدرت غربی خواهد بود که به پنج کشور برتر راه پیدا می کند. اگرچه ایالات متحده در سال ۲۰۵۰ رتبه دوم را خواهد داشت، اما اقتصاد آن بسیار کوچک تر از چین خواهد بود. گلدمن ساکس پیش بینی می کند که تولید ناخالص داخلی چین باید تا سال ۲۰۲۷ با تولید ناخالص داخلی آمریکا برابری کند و سپس به طور پیوسته پیشرفت کند. تولید ناخالص داخلی چهار کشور پیشرو در حال توسعه (برزیل، روسیه، هند و چین) احتمالاً تا سال ۲۰۳۲ با تولید ناخالص داخلی کشورهای پیشرو غربی امروزی برابری می کند. بانک جهانی پیش بینی می کند که دلار آمریکا سلطه جهانی خود را تا سال ۲۰۳۲ از دست خواهد داد. در ۲۰۲۵، دلار، یورو و رنمینبی چین در یک سیستم پولی «چند ارزی» برابر می شوند (Kupchan, 2012). هند در نقش کشوری برجسته و در حال توسعه در تلاش بوده است تا روابط بین المللی اش را عمق و گسترش بخشد. بهر حال ایده تشکیل گروه بریکس به شدت در هند مورد توجه قرار گرفت و خیلی زود سیاست گذاران و افراد در عرصه های عمومی بزرگ تر با این مفهوم آشنا شدند و از پیامد هایش برای هند آگاهی یافتند. در واقع بریک برای هند، آمیزه ای مطلوب از تلاش های اولیه اش در مسیر چند جانبه گرایی در پیوستن به بریک و ایسا به حساب می آمد. این موضوع به ویژه در سال ۲۰۱۱ بیشتر نمایان شد؛ یعنی زمانی که آفریقای جنوبی نیز برای پیوستن به گروه دعوت شد و گروه نیز به بریکس تغییر نام داد (لی شینگ، ۱۳۹۹). بدین ترتیب هند به شدت به دنبال باز آرایش سیاست خارجی اش به طور هم زمان در دو سمت بود؛ یعنی در حوزه همکاری راهبردی و ترویج

چندقطبی‌گری به همراه همکاری اقتصادی، و توسعه با دیگر کشورهای بزرگ و مهم. در این بستر مبتنی بر جستجو برای ائتلاف‌ها و دوستان جدید بود که ایده ایجاد گروه بریکس پدیدار شد. این ایده به شدت در هند مورد توجه قرار گرفت. حروف اختصاری بریکس در ابتدا در محافل مالی شناخته شد و خیلی زود سیاست‌گذاران و افراد در عرصه‌های عمومی بزرگ‌تر با این مفهوم آشنا شدند و از پیامد‌هایش برای هند آگاهی یافتند. بریکس برای هند، آمیزه‌ای مطلوب از تلاش‌های اولیه‌اش در مسیر چندجانبه‌گرایی در پیوستن به بریکس و ایسا به حساب می‌آمد. پشتیبانی از دنیای چندقطبی، سازماندهی به کشورهای در حال توسعه و مبارزه با سلطه غرب بر نهادهای بین‌المللی به‌ویژه بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول همگی عناصری برجسته در سیاست خارجی سنتی هند محسوب می‌شدند و در این زمان، این سیاست‌ها، در چهارچوب ایجاد بریکس نمود تازه‌ای یافته بودند. از زمان شکل‌گیری گروه بریکس، هند به شکلی فزاینده انرژی و تلاش بیشتری را به فعالیت‌های این گروه اختصاص داده است. هند همچنین تلاش کرد سطح همکاری میان اعضای بریکس را گسترش بخشد تا از این راه بتواند از مزایای بالقوه‌ای که این پنج کشور می‌توانند با همکاری در حوزه‌های گسترده فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی به دست آورند بهره‌گیرند. در اجلاس چهاردهم در ۲۰۲۲ اعضای بریکس بر لزوم متعهد ماندن به چندجانبه‌گرایی، تلاش برای دموکراسی بیشتر در حکمرانی جهانی، حفاظت از انصاف و عدالت و تزریق ثبات و انرژی مثبت به چشم‌انداز متلاطم بین‌المللی و ارائه کامل مکانیسم‌هایی افزایش آمادگی در مواجهه با بحران‌های بهداشت عمومی توافق کردند. دفاع قاطعانه از سیستم تجاری چندجانبه، تلاش برای تقویت اقتصاد جهانی باز، مخالفت با تحریم‌های یک‌جانبه و تقویت همکاری در زمینه‌هایی مانند اقتصاد دیجیتال، نوآوری فناوری، زنجیره‌های صنعتی و تأمین، امنیت غذایی و انرژی و ترویج توسعه مشترک جهانی، اولویت دادن به نیازهای مبرم کشورهای در حال توسعه، ریشه‌کن کردن فقر و گرسنگی، مقابله با

چالش ناشی از تغییرات آب و هوا، گسترش کاربرد فناوری‌هایی مانند هوافضا و داده‌های بزرگ در جهان توافق کردند (Brics2022, 2022).

هند همچنین بازیگری بسیار فعال در ابتکارهای اخیر بین‌المللی برای ایجاد نهادهای بین‌المللی جدید زیر چتر گروه بریکس همچون طرح موسوم به تور ایمنی و تریات ذخیره احتیاطی (CRA) که باید در زمان بحران مورد استفاده قرار گیرد و همچنین بانک توسعه جدید (NDB) است. همچنین ایده برقراری یک بانک جداگانه‌ای توسط بریکس که برای انجام پروژه‌ها در کشورهای در حال ظهور و در حال توسعه وام اختصاص دهد، در اجلاس سران بریکس در سال ۲۰۱۲ توسط هند به عنوان میزبان مطرح شد. بریکس به شکلی کاملاً غیرمنتظره شرایطی بهتر را برای هند، به منظور استمرار بخشیدن به سیاست‌های از قبل موجودش فراهم کرد، در حالی که سقوط اتحاد شوروی و ظهور جهانی‌شدن سبب بروز مشکل این سیاست‌ها شده بود. بریکس همچنین رویایی برای هند در جهت ارتقاء موقعیتش به سطح قدرت‌های بزرگ است؛ چیزی که همچنان جزو آمال و آرزوهای بلند مدت هند است. بریکس کمک کرده است که هند در جایگاه یک قدرت بالقوه بزرگ در سیاست جهانی مطرح شود و امکان تبدیل شدن به کشوری با اقتصاد پیشرفته را پیدا کند. هند از نظر تولید ناخالص داخلی در رتبه سوم اقتصاد جهان قرار دارد، به دلیل تولید انواع مختلف چای و ادویه‌جات، منابع فکری ارزان مشهور است. (Podarilove, 2022). در بین اعضا چین بزرگ‌ترین اقتصاد در گروه بریکس را دارد که بیش از ۷۰ درصد از ۲۷,۵ تریلیون دلار قدرت اقتصادی گروه را به خود اختصاص داده است. بر اساس داده‌های صندوق بین‌المللی پول، هند حدود ۱۳ درصد را تشکیل می‌دهد که روسیه و برزیل حدود ۷ درصد را تشکیل می‌دهند. (Hafezi & Faulconbridge, 2022). به علاوه جمعیت هند ۱,۴۰۵ میلیارد است و انتظار می‌رود در سال ۲۰۲۷ به ۱,۴۶۷ میلیارد افزایش یابد. تولید ناخالص داخلی هند در

سال ۲۰۲۲ به ۲,۶۵۱ تریلیون دلار است و در سال ۲۰۲۷ به ۵,۵۳۳ تریلیون دلار افزایش می‌یابد (Philstar, 2022)

یکی از تأثیرات هند در صحنه بین‌المللی در ارتباط با سایر اعضای بریکس است. علاوه بر این، جنگ در اوکراین و تحریم‌های متعاقب آن علیه روسیه، کشورهای بریکس را بیش از پیش به مسئله امنیت انرژی متوجه کرده است و حتی موجب به هم نزدیک‌تر شدن اعضا شده است. از آنجایی که قیمت جهانی نفت به دلیل کاهش عرضه در بازار افزایش یافته است، انگیزه کشورهای غیر غربی برای خرید نفت روسیه بدون در نظر گرفتن تهدیدات (و البته باقیمت ارزان‌تر) نیز افزایش یافته است. در نتیجه، کشورهایی مانند هند و چین واردات نفت خام روسیه را در شرایط تحریم به طور چشمگیری افزایش داده‌اند. به عنوان مثال، در شش ماهه اول سال ۲۰۲۲، هند نزدیک به ۶۰ میلیون بشکه نفت روسیه خریداری کرد که به میزان ۱۲ میلیون بشکه در سال ۲۰۲۱ افزایش یافته است. علاوه بر این، آفریقای جنوبی اخیراً اعلام کرد که در حال بررسی خرید نفت روسیه است (Americansecurityproject, 2022). به گفته یکی از وزیران خارجه سابق، رای ممتنع هند با توجه به روابط استراتژیک طولانی مدت آن با روسیه و نزدیکی فزاینده آن با چین و کشورهای مشتری پادشاهی میانی، منعکس‌کننده منافع ملی آن است.

نتیجه گیری

پرسش اصلی پژوهش حاضر این بود که در عصر نظم نوین بین‌المللی عضویت هند در گروه بریکس حاوی چه آثار و پیامدهایی از منظر سیاست خارجی این کشور است. که تلاش شد از طریق چارچوب نظری نهادگرایی نئولیبرالیسم این مسئله مورد تحلیل قرار گیرد. با توجه به مفروضات نظریه‌ی نهادگرایی نئولیبرالیسم که عبارتند از: رویکرد نظام‌مند، بی‌نظمی بین‌المللی، کشورها به مثابه بازیگران عاقل، کشورها به عنوان مهم‌ترین بازیگران و نقش مستقل نهادهای بین‌المللی میتوان بیان نمود که با توجه به تأکیدی که این نظریه بر نقش همکاری و تعامل در اقتصاد جهانی از یکسو و از سوی دیگر تأکیدی که بر نقش متوازن‌کننده دولت و سایر کنشگران در اقتصاد جهانی دارد پس جایگاه بریکس در سیاست خارجی هند به عنوان یک نهاد همکاری نیز قابل تبیین است. در واقع با توجه به تحول نظم جهانی و اهمیت روزافزون تبادل و تعامل در قالب نهادها و رژیم‌ها در عرصه‌ی آنا‌رشی، هند برای دستیابی به سیستم چندجانبه، ملزم به استفاده از نهاد همکاری بریکس در جهت کسب سهم بیشتری از قدرت جهانی، تحول در ساختار و ایفای نقش موثر می‌باشد. زیرا که ائتلاف مذکور می‌تواند ضمن اعتمادسازی میان اعضا الگویی مناسب در جهت تبادل در زمینه‌های مختلف را فراهم نمایند. یافته‌های مقاله حاضر حکایت از آن دارد که با شکل‌گیری سازمان‌های نوظهور و تبدیل آن‌ها به یک قدرت سیاسی و دیپلماتیکی در نظام بین‌الملل، این دولت‌ها همواره از تقسیم قدرت و حق رای در نهادهای بین‌المللی به‌ویژه در سیستم پولی و مالی رضایت چندانی نداشتند و به همین علت در صدد اصلاح این نهادهای بین‌المللی و ایجاد سیستم‌های جایگزینی برآمدند و خواستار شکل‌گیری نظامی اقتصادی متعادل و متوازن بودند. عضویت هند به عنوان عضو دائم سازمان بریکس در راستای سیاست خارجی ملی گرایانه به دنبال تأمین منافع ملی می‌باشد. همچنین در جهان یکپارچه‌شده کنونی چندجانبه‌گرایی در ارتباط با نظم جدید جهانی به یک امر حیاتی تبدیل شده است

آنطور که به عقیده جان راگی چند جانبه گرایی یک شکل نهادی است که روابط میان سه دولت یا تعداد بیشتری را بر اساس اصل عمومی رفتار هماهنگ می‌سازد. در نظام جهانی کنونی به چند جانبه گرایی به عنوان مشروع ترین و در نتیجه موثرترین شیوه برخورد با موضوعات فراملی نگاه می‌شود. در این زمینه یکی از گرایش‌های قابل توجه در رشد چند جانبه گرایی ظهور سازمان‌های مختلف استراتژیک و منطقه‌ای بوده است. دلیل اصلی ظهور این سازمان‌های منطقه‌ای این است که کشورها فهمیده‌اند که سازمان‌های منطقه‌ای راه تغییر شکل امنیت منطقه‌ای پیچیده به اجتماع امنیتی باهدف کاهش مسائل امنیتی از طریق ایجاد نهادهای دسته جمعی بر پایه ارزش‌ها و اهداف مشترک می‌باشد. بریکس با حضور کشورهای برزیل، روسیه، آفریقای جنوبی، چین و هند که از جایگاه بسیار مناسبی در نظام بین‌الملل برخوردارند به اقدامی برای جذب و علاقه‌کشی‌هایی چون ایران برای عضویت در این گروه مقرر شده است. در کل به غیر از منافع اقتصادی و در قالب چندجانبه گرایی ایران فراتر از منافع اقتصادی، اهداف سیاسی خود را با عضویت در چنین گروه‌هایی به خاطر مخالفت با سلطه آمریکا پیگیری می‌نماید. هند فارغ از محدودیت‌های ساختاری دوره جنگ سرد تلاش می‌کند تا اتحادهای اقتصادی و سیاسی استراتژیک در سطوح دو جانبه منطقه‌ای و جهانی را بنا سازد. بنابراین بریکس برای هند، آمیزه‌ای مطلوب از تلاش‌های اولیه‌اش در مسیر چند جانبه گرایی در پیوستن به بریکس و ایسا به حساب می‌آید این موضوع به‌ویژه در سال ۲۰۱۱ بیشتر نمایان شد؛ یعنی زمانی که آفریقای جنوبی نیز برای پیوستن به گروه دعوت شد و گروه نیز به بریکس تغییر نام داد. پشتیبانی از دنیای چند قطبی، سازماندهی به کشورهای در حال توسعه و مبارزه با سلطه غرب بر نهادهای بین‌المللی (به‌ویژه بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول) همگی عناصری برجسته در سیاست خارجی سنتی هند محسوب می‌شدند و در این زمان، این سیاست‌ها، در چهارچوب ایجاد بریکس نمود تازه‌ای یافته بودند. یکی از وزیران هند، در کتابی

آورده است که " کمک هند به شکل گیری نظمی چند قطبی با حمایت از دیگر قدرت‌های بزرگ، بیشترین خدمت به منافع کشور است. هند نباید در تقویت و مشارکت در ائتلاف‌های مقابل برای مهار هر قدرت در جستجوی هژمونی، حتی زمانی که این قدرت در حال تقویت توانمندی‌های اقتصادی و نظامی خودش هست، نباید تردید به خود راه دهد. بنابراین برای خود هند، برقراری و تحکیم گروه بریکس و فعالیت‌های آن در این راستا، به معنای استمرار طبیعی سیاست بلند مدت آن در ترویج جهان چند قطبی و فراهم کردن بهترین روابط ممکن برای پیشرفت اقتصادی و سیاسی آن در سطح جهان است. و همچنین بریکس به شکلی کاملاً غیر منتظره شرایطی بهتر را برای هند، به منظور استمرار بخشیدن به سیاست‌های از قبل موجودش فراهم کرد و بریکس در جهت ارتقا موقعیت هند به سطح قدرت‌های بزرگ است. بنابراین کشور هند به کمک بریکس قصد دارد جایگاه یک قدرت بالقوه بزرگ در سیاست جهانی مطرح شود و امکان تبدیل شدن به کشوری با اقتصاد پیشرفته را پیدا کند. در نتیجه هند، که منافع سیاسی و راهبردی مشخصی در پیوستن به ائتلاف بریکس داشته، از این مسئله سود برده و قادر بوده است منافعش را تا حد امکان، در نهادهای اقتصادی بین‌المللی پیش ببرد. در همین راستا دهلی‌نو نهادهایی جایگزین را شکل داده و عموماً توانسته است نقش خود را در رایزنی‌های جهانی و طیف گسترده‌ای از مسائل سیاسی و اقتصادی بین‌المللی حفظ کند و هند در چارچوب نئولیبرالیسم نهادگرا در صدد است با تقویت همکاری‌های سیاسی و اقتصادی در قالب نهادهای گوناگون از جمله بریکس، زمینه‌ساز ایجاد سیستم چند جانبه‌گرایی گردد.

منابع

- بهرامی مقدم، سجاد، (۱۳۹۴). دگرگونی سیاست خارجی هند؛ از جهان سوم گرایی به عمل‌گرایی اقتصادی. فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۷، شماره ۴.
- دهشیری، محمد رضا، بهرامی، زهرا (۱۳۹۴). نگاه استراتژیک چین به بریکس، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۹.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۷۷). نظریه نهادگرایی نئولیبرال و همکاری‌های بین‌المللی. مجله سیاست خارجی، سال دوازدهم، شماره ۳.
- سلیمان پور، هادی، مولایی، عبدالله (۱۳۹۲). قدرت‌های نوظهور در دوران گذار نظام بین‌الملل. فصلنامه روابط خارجی، سال پنج، شماره ۱.
- طباطبایی، سید علی (۱۳۹۰)، بررسی تطبیقی راهبرد چین، روسیه، آمریکا، هند، پاکستان و ایران به سازمان شانگهای، راهبرد، سال بیستم، شماره ۶.
- لی شینگ (۱۳۹۹). بریکس و اقتصاد سیاسی بین‌المللی امروز، (ترجمه: سید محمد میر ترابی، مهتاب ساری اصلانی). تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر ایران.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۲). تحول در نظریه روابط بین‌الملل. تهران: نشر سمت، چاپ ۸.
- یزدانی، عنایت‌الله، مرادی فر، سعیده (۱۳۹۶). تبیین تاثیر و نقش بریکس بر نظم جدید جهانی. فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۷، شماره ۲۳.
- Americansecurityproject. (2022). Retrieved from How the Growing Appeal of BRICS Challenges American Influence Abroad The current leaders of the BRICS nations. From left to right: Xi Jinping, Vladimir Putin, Jair Bolsonaro, Narendra Modi, and Cyril Ramaphosa. How the Growing Appeal of BRICS Challenges A:

- <https://www.americansecurityproject.org/how-the-growing-appeal-of-brics-challenges-american-influence-abroad/>
Brics2022. (2022). The 14th BRICS Summit Is Held President Xi Jinping:
http://brics2022.mfa.gov.cn/eng/tpxw/202206/t20220627_10710505.html
- Hafezi, P. & Faulconbridge, G. (2022). Iran applies to join China and Russia in BRICS club:
<https://www.reuters.com/world/middle-east/iran-applies-join-brics-group-emerging-countries-2022-06-27/>
- Kupchan, C. (2012, FEB 17). Retrieved from The World in 2050: When the 5 Largest Economies Are the BRICs and Us:
<https://www.theatlantic.com/business/archive/2012/02/the-world-in-2050-when-the-5-largest-economies-are-the-brics-and-us/253160/>
- Philstar. (2022). The BRICS challenging NATO:
<https://www.philstar.com/the-freeman/opinion/2022/08/02/2199707/brics-challenging-nato>
- Podarilove. (2022). Brix - decryption. Brix Group: history and goals of creation Brix goal of the organization:
<https://podarilove.ru/en/briks-rasshifrovka-gruppa-briks-istoriya-i-celi-sozdaniya/>
- statista (2022) ,india, <https://www.statista.com>
- Stein(1993),op.cit., p 30, Andrew Moravcsik, preferences and power in the European Community: A liberal International Approach, journal of common Market studies, vol 31,NO 4,
- Young (1989), International Cooperation : Building Regimes for Naturl Resources and the Environment(Ithaca Cornell University prees, 1989), p. 211.